

مکتبہ
الاسلامیہ
کراچی

اسرار و تبیانِ حق و فصلان

جلد اول



رسالت مسلمان ————— ضرورت شناخت اسلام
————— ضرورت شناخت مقتضیات ————— معنای مقتضی

معنای مقتضی ————— آنچه در این زمان به وجود آمده : تطبیق با آنچه به وجود آمده

یک چیز ————— ارتجاعی : پسرفت

رو به جلو : پیشرفت

تقاضاهای مردم زمانه : تطبیق با درخواست مردم و همرنگی با آن

درخواست مردم اصالت ندارد چون لزوماً رو به جلو نیست

احتیاجات واقعی در طول زمان تغییر می کند و تقاضاهای هر زمان

احتیاجات آن زمانه هستند ————— تعیین هدف و راه نیل به آن

عدم تعیین ابزارها و وسایل

اشکال مخالفین :

1- با صبغه فلسفی : طبیعت زمان سیال است و اسلام ثابت است

پاسخ : طبیعت و... غیر ثابتند ولی قوانین حاکم بر تحولات ثابت هستند

2- با صبغه اجتماعی : احتیاجات اجتماعی بشر متغیر و دین ثابت است

پاسخ همه چیز تغییر نمی کند، هم احتیاج ثابت داریم هم متغیر: قوانین اسلامی، رابطه

انسان با
خود
خدا
دیگران
طبیعت

با هر تغییری نباید هماهنگ شد چون لزوما در راستای پیشرفت نیست ← انسان

امکان پیشرفت و تعالی دارد

خروج از مسیر عدالت : ظلوم

قرار گرفتن در راه خطا و طی آن

اسلام مطلقا ثابت نیست و مکانیزم تغییر را در خود دارد ← مقدمه : مبانی دوازده گانه

سیر بحث جمع اسلام و مقتضیات

مکانیزم تطبیق در اسلام

جامعه اسلامی در حال رشد است و پیشرفت را می پذیرد ← ذکر مصادیق افراط و

تفریط در قبال مقتضیات

ذکر مصادیق افراط و تفریط در قبال مقتضیات

خوارج

علمای 4 گانه اهل تسنن

اشاعره و معتزله

اخباریون

مشروطیت

افراط و تفریط در تغییر جملات اذان

قیام علیه روزه

حرمت گوشت خوک و شراب و...

نماز به زبان ترکی

اشکال 1 : احتیاجات بشر ثابت نیست و متغیر است و هر احتیاجی اقتضایی دارد :
اقتضائات 1400 سال پیش به درد الان نمی خورد

پاسخ اول ما احتیاجات واقعی بشر را قبول داریم
نیاز بشر به یک سری ابزارها برای تحقق نیازها و نیل به آن
نیازها ثابت : اولیه : نیاز به اصل مسکن و محل سکونی
متغیر : ثانویه : روش ها و مدل های مسکن سازی
دین هدف را تعیین می کند ، کاری به ابزار ندارد

پاسخ دوم : قوانین اسلامی : رابطه انسان با
خود ← اخلاق ← مطلق ← ثابت
نسبی ← متغیر
خدا ← عبادت ← ثابت
طبیعت ← اصول ثابت
دیگران ← عدالت ← قوانین ← ثابت
روابط ← متغیر

اشکال 2 : شکل قضایا تغییر نمی کند اما مفهوم محمول و موضوع در قضایا تغییر می کند

پاسخ — این حرف شاعرانه است و مفهوم ثابت است

اصالت حق فرد و اجتماع

اشکال 3 : تاریخ : موجودی مادی نیروی محرکه آن : روابط اقتصادی و سایر گزاره ها

محصول این روابط ؛ چون امور اقتصادی در حال تغییر است پس محصول آن یعنی فرهنگ

و... متغیر است پس همه چیز متغیر خواهد شد

عدالت — مساوات و برابری — ممکن نیست : چون برخی گزاره ها در دست ما نیست

مقدور هست ولی ممدوح نیست

چرا؟ — افراد با هم یکسان نیستند

ظالمانه هم هست چرا؟ چون تلاش یکسان نیست

عامل مخرب اجتماع می شود

رعایت توازن در جامعه

اعطاء کل ذی حق حقه

- رعایت توازن در جامعه : جامعه محق است و افراد مکلف

پاسخ : در مقابل هر حقی تکلیفی و در مقابل هر تکلیفی حقی است : حق و تکلیف دو کفه یک ترازو هستند

- اعطاء کل ذی حق حقه

انسان کامل ← حق
فاعلی
غایی

ضعیف مطلق
ضعیف نسبی
حق غایی
کودک
حیوان

هدف از فعل غیر خود باشد مثل افعال مادرانه

هدف از فعل غیر خود باشد و ناشی از خلق طبیعی هم نباشد — نسبی می شود
چون نیاز نوع بشر فرق می کند

- ناشی از وجدان باشد (کانت) مطلق می شود
- 1- وجود سرمایه غیر مادی در تمام افراد بشر
 - 2- اهمیت عقل عملی و نه عقل نظری و وجدان وسیله و ابزار عقل عملی
 - 3- وجدان بخشی از فطرت و عنصری ثابت در وجود بشر

معیار فعل
اخلاقی

نتیجه هوشیاری انسان در تشخیص منافع (راسل) — نسبی می شود
حسن و قبح عقلی — نسبی می شود
ملکاتی که انسان باید خود را بر اساس آن بسازد

پاسخ به اشکال 3 :

همه چیز در حال تغییر است ؟ → ایدئولوژی چطور ؟

→ پاسخ — مارکسیسم : بله

قانون چطور ؟ — اسلام — سرشت انسان ثابت

بعد غیر مادی علاوه بر بعد مادی

توجه به ثابتات در عین متغیرات

اصالت فرد در کنار اصالت جامعه

اشکال مخالفین با صبغه فلسفی

با صبغه اجتماعی همه چیز تغییر نمی کند

با هر تغییری نباید هماهنگ شد ← چون هر تغییری در راستای

پیشرفت نیست ← مؤید ← انسان امکان پیشرفت و تعالی دارد

امکان سقوط دارد ← ظلوم

جهول

اسلام مطلقاً ثابت نیست ← مبانی

مقدمات

تطبیق

جامعه اسلامی در حال رشد است

تغییر در مقتضیات زمان عامل ارسال رسل در زمان های مختلف بوده است

مقتضیات زمان که عامل تغییر در شرایع هستند لزوماً به معنای پیشرفت و مقدمه تغییر در تمدن و مدنیت نیست

تمدن مربوط به مدنیت و زندگی اجتماعی است و پیشرفت آن از قبیل پیشرفت در ابزار علم و صنعت است

تغییرات تمدنی مقتضی تغییر در قوانین کلی نیست

تغییر در شرایع مربوط به جریان کلی هدایت نوع انسان است

هدایت از دو راه حاصل می شود — عقل

و وحی

تغییر در شرایع به استعداد بشر در فراگیری و حفظ قوانین الهی بستگی دارد

وقتی عقل به درجه ای از کمال رسید که توانایی دریافت قانون را پیدا کرد ختم نبوت پیش

می آید

عصر خاتمیت عصر تطبیق اصول ثابت دین بر حوادث و نیازهای زمان از طریق اجتهاد است

مکانیزم پویایی و تغییر در خود اسلام است نه خارج آن

کار علما کشف است نه ابداع پس وسعه دین معنا ندارد

علما ابداع اصول نمی کنند

مقدمات

همه چیز تغییر نمی کند

اسلام مطلقا ثابت نیست

هم اسلام و هم زمانه ثابتات و متغیراتی دارند

شناخت محل نزاع

شناخت اسلام

پالایش اسلام از انحراف

شناخت تجدد

پالایش و نقد تجدد

چگونگی تطبیق نحوه وضع قانون در اسلام : از نوع قضایای حقیقیه است نه خارجیه

جایگاه ویژه عقل

- استثناء فلسفه وضع
- وضع حکم جدید
- تغییر مصلحت با مفسده
- تعارض حکم با عقل
- باب تراحم

قواعد کنترل کننده

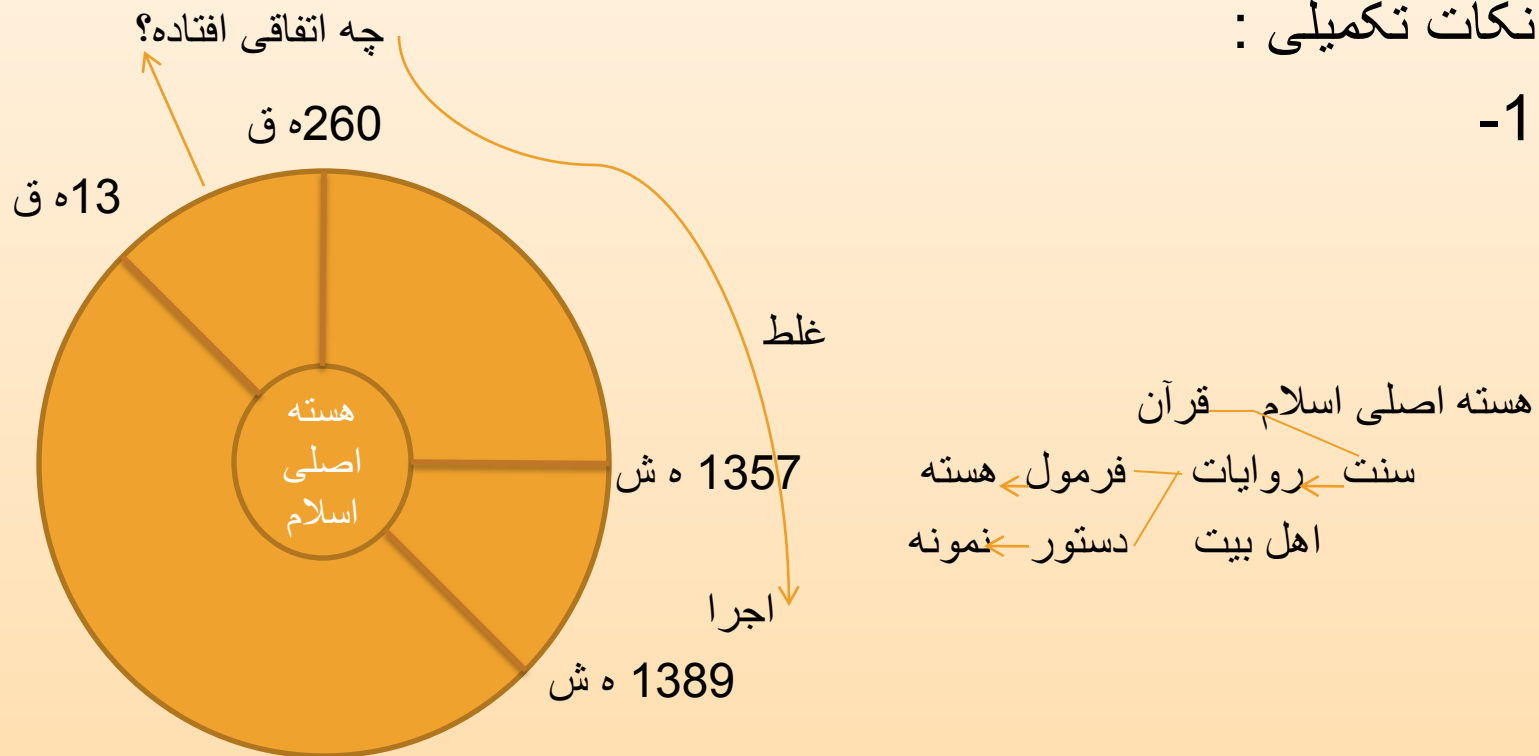
- لا ضرر
- لا حرج

اختیارات حاکم اسلامی

برخورداری از الگویی بلند مدت برای تطبیق در زمان ها و مکان های مختلف

نکات تکمیلی :

1-



2- آیا به جای تطبیق با مقتضیات می توان مقتضی سازی کرد ؟ بله

چگونه ؟ ~~نخبه گرایی (آریستوکراسی) ؟~~

عامه مردم ؟ چگونه ؟ عمل به دین